

## گورکنِ گورِ خویش است

شعر و متن: شادی سائبجی

گورکنِ ناگهانِ گورِ ناگوارِ و بی گرمای خویش است !

با دستانِ خونینِ خیس و خواب آلودِ خَز بستهِ خویشتن خویش اش،

در خمیازهای ناخواستهِ خمپارهای خستهِ خشم شهری شرجی،

در آسمانِ سرخی که سرد است و سرمای باران و بوران و دودش،

چشم‌ها را به کوری کذابه ایی کشان کشان، کشانده است !

جاھلی بود بر معبدی ایستاده نجوا کنان به فخری فاخر و پوج !

از خاندانِ جهلِ جامد یک جمهوری جنازه وار سلیمانی پرجنون،

جاھلی با کلاھی سیاه و محملی چنبر زده در معبری عقیم،

که نجوای خشمتش دستی شد بر عبور بی حجاب پروانه‌ها !

بی آنکه بداند بهرام گور را ارباب پرارعباب گورکنایش کرد،

قصابی بود کار کشته، در سایه‌ی سرد تیغ‌های جیبیش کمین کرد،

لوطی نامردی بود که هر غروب بر سینه‌های سفید قناری‌ها قمه کشی می‌کرد !

اما ناخواسته ! گورکنِ ناخواستهِ گورِ بی انتهای پرگدازهِ خویش شد !

اشتباه می‌کرد و نمی‌دانست که در بستری از ابریشم کودکی پروانه‌ها،

آشفته از شورِ عشق و پرواز، نباید خواب گل شکفتن گلوله‌های گر گرفته را ببیند !

اشتباه می‌کرد و نمی‌دانست که بر شیشه‌های شبنم گرفته‌ی تاریخ نباید پنجه کشید،

مکر اشتباه می‌کرد و شاید در بزنگاهی درست اشتباه کرد، و گورکنِ گورِ گل آلود خویش شد !

پا نوشت شعر :

این شعر در سومین روز خیزش خونین مردم ایران در آبان ۱۳۹۸ در اعتراض به گرانی بنزین و بنزین پاشی بر فوران خشم مردم فقیر شده و غارت شده با فریادهای طین افکنی در نقد ساختاری کل سیستم جمهوری اسلامی ایران در هزاران کیلومتر دور از مرز پرگهر نوشته شده است. این بار اما خشونت سیاسی اعمال شده از طرف رژیم جمهوری اسلامی در خلق صحنه های خونین و ترور مردم فقیر معترض به ویژه در شهر شیراز با هلیکوپتر مسلح و شلیک گلوله و گاز اشک آور از بالا به مردم در کل تاریخ ۴۰ ساله ای تاسیس جمهوری اسلامی بی سابقه باشد. شدیدترین شدت خشونت به صورت ضربتی و ناگهانی و دفعتی از همان ابتدای جنبش اعمال شد. این بار از ماشین آب پاش خبری نبود از همان ابتدا گلوله ای واقعی نشانه به سمت مردم بود. نگارنده ای این سطور در تمام عمر سی و اندی ساله ای خود هرگز چنین "تئاتر قتلعام" گسترده در ملا عام با هلیکوپتر از بالای سر مردم در روز روشن را ندیده بود !

حتی شاید خود روح الله خمینی بنیانگذار "رژیم مستضعفان" ! هم در قبر خود از دیدن چنین صحنه هایی حیرت و تعجب بسیار کرده باشد. در چهلمین سال بنیانگذاری "عقرب شر" رژیم مستضعفان " بر سر ایران ، دستگاه اینگونه با توحشی شدید به قتلعام مستضعفان نایل گرده است. و اینگونه هرگز کسی فکر نمی کرد که " انقلاب مستضعفان " به " کشتار مستضعفان ۹۸ " دست بزند. متاسفانه بسیاری از ایرانیان از خارج از کشور ناخواسته و ناگهان با وجود شبکه های اجتماعی به دیدن "تئاتر قتلعام ۹۸" دعوت شدیم، تئاتری که اصلاً انتظار دیدنش را نداشتیم. به علت مسافت فیزیکی بسیار، ما ایرانیان خارج از کشور به عنوان یک تماشاگر به " صحنه ای تئاتر قتلعام " داخل کشور از طریق پنجره های رسانه های اجتماعی با بعد کادر صفحه ای کامپیوتر با تلفن همراه نگاه می کنیم که هراس و نگرانی های خودش را دارد.

مسئولین نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی جدا از این که هم دروغگو هستند و هم انصاف ندارد، اما این بار نشان دادند که در تصمیم گران کردن بنزین، گویا از شعور و درک سیاسی و اجتماعی هم بهره ای ندارند. حتی از یک دانشجوی سال اول علوم سیاسی دانشگاه های پاریس کمتر قدرت تحلیل و درک دارند. در حالی که منطقه‌ی خاورمیانه و دو کشور عراق و لبنان عملاً در جنبش هستند، در چنین شرایطی خودشان جرقه‌ی قیام و جنبش را می‌زنند. این در حالی است که همزمان با جنبش اجتماعی این دو کشور منطقه‌که چند هفته هم است که در جریان است، می‌بینیم که مردم ایران ساكت نشسته بودند که باز هم به نوعی تعجب آور بود. اما جمهوری اسلامی مکرر در اشتباه است و از اشتباهات خود درس نمی‌گیرد. جمهوری اسلامی حتی از اشتباهات رژیم پهلوی در آستانه‌ی انقلاب و گرانی بنزین در دولت‌های قبلی رژیم پهلوی هم درس نمی‌گیرد. نظامی که نه سواد سیاسی دارد نه شعور اجتماعی دارد و نه از تاریخ می‌آموزد و نه حتی از اشتباهات خود درس می‌گیرد محکوم به خوابیدن در گور خویش با دستان خویش است.

در پایان در پانوشت این شعر یک گزارش میدانی مستند قرار دارد که مربوط به وضعیت شهر اصفهان پس از قیام خونین ملی و پس از وصل مجدد اینترنت در ۲۳ نوامبر ۱۳۹۸ برابر با ۲ آذر ماه ۱۳۹۸ می‌باشد که به درخواست نگارنده‌ی این سطور از شهر اصفهان از طرف یک دوست ارسال شده است. در این نوشته این طور آمده است :

"سلام، نت قطع بود شادی، حتماً میدونی. امروز هم وا فای اونم مناطق صنعتی و اینا وصل شده و احتمالاً دانشگاه‌ها. هنوز کامل وصل نیست یا دیتا موبایل‌ها هم وصل نیست. چی بگم والا. قشنگ عین این فیلم‌هایی که از سوریه نشون میدادن شده شهر. کلی بانک و پمپ بنزین آتش زدند، المان‌های شهری و خراب کردن، گارد‌های وسط خیابون‌ها، دوربین و چراغ‌های راهنمایی رانندگی. شکستن و دزدیدن. آدم اشکش در میاد. کلی زخمی حتی بچه‌ها. وحشتناکه. آدم اشکش در میاد شهر و کشورش و اینجوری می‌بینه. اصفهان استاندار اجازه نداد گارد ویژه بیاد توی شهر. بسیج بود فقط. حتی نیروی انتظامی‌ها هیچکدام نیومدن توی شهر. هنوز خیلی خرابی‌ها هنوز درست نشده. چراغ راهنمایی‌ها هنوز بعضی درست نشدن. البته بالشهر خبری نبود، غیر از دم در دانشگاه. چهارباغ بالا فقط قفل شده بود، خرابی نداشته. ولی آتشگاه

، زینبیه، سه راه سیمین، شاهین شهر، دولت آباد و بهارستان و نجف آباد از همه جا شلوغ تر بود. کلی شیشه

" ماشین ها رو شکستن. "

